مردکرا اما وبسوی کلام رسول من حسن الاسلام المرء ترکه ما لا یعنیه بعطا کن مرا خوا
گریستن و تفکر کردن در حذر از قول و عمل که راضی و خشنود کنند ترا از من شعارات
بقبول حق تعالی و رضوان من الله اکبر ای خداوند ای آفریننده آسمانها و زمینها
خداوند عظمت و بزرگی و خداوند قوت و غلبه که طلب کرده نشود آن عزت را
زیرا که حصول آن عزت غیر ترا ممکن نیست پس لا تزام ازروم ست یا خداوند
قوت و غلبه که زوال و فنا پذیر نیست دیار و ست همچنین پس از رحم ست سوال
میکنم از تو ای واجب الوجود مستحق جمیع ستایشها ای مهربان عطا کننده
نعمتهای وافر و بخشنده بی عوض و بی غرض باستعانت عظمت تو با صفات
جلال تو و نور وجه و جمال ذات تو این که لازم و دائم گردانی دل مرا
حفظ و یاد گرفتن قرآن خود آنچنان که تعلیم کرده و آموزانیدی مرا
وعطا کن مرا درمیان آن ابتدا و انتهای این که بخوانم قرآن را با آن رتبه
بدرستی قرآن را بر نهجی که راضی و خشنود کند ترا از من تو ای منور ساز سوال میکنم
از تو باستعانت مذکوره که روشن و نورانی کنی به تلاوت و نظر قرآن چشم
مرا یا به برکت قرآن قوت بصر او بصیرت مرا و این که جاری و روان کنی تو آن
بر وجه رعایت مخارج و صفات حروف و تجوید بر زبان مرا و این که زایل کنی
اندوه را و دور کنی غم را بسبب قرآن از دل من و این که وسیع و گشاده کنی به
قرآن سینه من و دل من تا تنگ نشود دانچه کرده شود بمن یا گفته شود در حق من
و این که بشوی و پاک کنی بسبب عمل بقرآن تمام تن مرا و اعضا که دل
و گوش و چشم و دست و زبان و سایر ارکان از ذنوب و عصیان و عمل بمعصیت
الخ در نسخ صحیح دارن تستعمل به بدنی زیرا که تحقیق شان این است کما عاداتی بار

بمکند

بمکند و تقویت بمکند بدن مرا توفیق نمی بخشد بر حق از روی اعتقاد و قول و فعل غیر تو
وعطا نمی کند حق را او غالب نمیگرداند حق را مگر تو مراد از تقویت مقام از حق قرآن ا
یا اثم که قرآن هم داخل ست دران قوله بعض ذلک ثلث جمع که جمع جمعه ا
بکند مرید حفظ قرآن آنچه مذکورست درین حدیث در سه شب جمعه یا در پنج شب
جمعه یا در هفت شب جمعه اجابت کرده شود مطلوب او را که حفظ قرآن ست
و سوگند ازین سر رسول خدا معهود ست والذی بعثنی بالحق ای کسی که خدای مبعوث
کرده مرا بحق نبی و نکرده ست در ماضی هرگز اجابت این دعا و حصول مدعا از
هیچ مومنی که عمل کرده ست بآن حدیث و همچنین ست حکم اجابت بعمل این حدیث
در استقبال پس اجابت مذکوره همیشه ست   و اذا اخطاء او اذنب
فاحب ان یتوب الی الله فلیمد یدیه الی الله عز وجل ثم
یقول اللهم انی اتوب الیک منها لا ارجع الیها ابدا
فانه یغفر ما لم یرجع فی عمله فلک   اخطا یخطی اذا سلک
سبیل الخطاء عمدا او سهوا و یقال خطی بمعنی اخطا و قیل خطی اذا تعمده
و اخطا اذا لم یتعمد کذا فی النهایه ذنب گناه اذنب الرجل فهو مذنب یعنی
در صحیح مستدرک حاکم مروی ست از ابو الدرداء رضی الله عنه که رسول خدا
فرموده ست و حال گناه کند کسی دانسته یا نادانسته او اذنب یا گناه کند دانسته
پس کلام او برای شک راوی ست یا چون گناه کند کسی دانسته یا دانسته پس
کلام او برای تنویع ست پس دوست دارد که توبه کند و رجوع آرد از گناه خود
بسوی خدا پس باید که دراز کند و بردارد دو دست خود را بسوی قبله دعا بسوی خدا جهت
آنکه است بگوید اللهم یا رضا یا خالق من توبه و رجوع میکنم بسوی تو از آن معصیت